

حقوق شهروندی در نظام قضائی

محمدجواد جاوید

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

عضویت شاهرادی

دانشجوی حقوق دانشگاه تهران

نشر مخاطب

تأیستان ۱۳۹۵

سرشناسه	چاوید، محمدجواد، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	حقوق شهروندی در نظام قضایی / محمدجواد چاوید، عصمت شاهمرادی؛ ویراستار محمدرضا رضاییان دلویی.
مشخصات نشر	تهران : مخاطب، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۴۱۶ ص: جدول، نمودار.
شابک	978-600-5750-33-1
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه: ص. ۳۱۸ - ۳۲۱.
یادداشت	نمایه.
موضوع	حقوق مدنی
موضوع	Civil rights
موضوع	فساد قضایی
موضوع	Judicial corruption
موضوع	۲ - دادرسی مدنی
موضوع	Civil procedure
موضوع	حقوق بشر - جنبه های اجتماعی
موضوع	Human rights - Social aspects
موضوع	حقوق بین الملل - ایالات متحده
موضوع	Civil rights - States -- United States
موضوع	حقوق مدنی - ایران
موضوع	Iran -- Civil rights
شناسه افزوده	شاهمرادی، عصمت، ۱۳۶۰ -
شناسه افزوده	رضاییان دلویی، محمدرضا، ۱۳۶۱ -
رده بندی کنگره	۱۳۹۵ JC۵۷۱ چ۴
رده بندی دیویی	۳۲۳
شماره کتابشناسی ملی	۴۲۸۰۹۰۵

عنوان: حقوق شهروندی در نظام قضایی
نویسندگان: محمدجواد چاوید، عصمت شاهمرادی

صفحه‌آرا: لیلا کاظمی

طراح جلد: الهه کاظمی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

ناشر: مخاطب

تعداد: ۱۰۰۰

قیمت: ۳۳۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی تهران، خیابان انقلاب اسلامی، ابتدای جمالزاده جنوبی، برج ۲۰۱، واحد ۳، تلفن: ۰۲۱ ۶۶۹۵۸۲۲۵
پایگاه اطلاع‌رسانی: www.mokhatabbook.com پست الکترونیکی: www.mokhatabbook1379@gmail.com تلفن: ۰۲۱ ۶۶۹۷۴۶۴۵

مراکز پخش و فروش:

- تهران، خیابان ۱۲ فروردین، بین روانمهر و نظری، بن بست حقیقت‌سیلاک ۴، واحد ۴، کتاب آوا
- تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بازارچه کتاب، پلاک ۱۲، انتشارات چاپخش
- تهران، خیابان انقلاب اسلامی، خیابان منیری چاوید (اردیبهشت)، نبش خیابان نظری، پلاک ۱۴۲، دانش‌یران
- تهران، خیابان منیری چاوید (اردیبهشت)، خ شهید لیاقتی‌نژاد، کوچه درخشان، پلاک ۲، توحید دانش

فهرست اجمالی مطالب

۱	مقدمه
۹	بخش اول: حقوق شهروندی و نظام قضائی: مفاهیم و مسائل نظری
۱۱	فصل اول: از حقوق بشر تا حقوق شهروندی
۱۹	فصل دوم: امنیت و عدالت در حقوق شهروندی
۲۵	فصل سوم: از دستگاه قضائی تا فساد قضائی
۳۱	فصل چهارم: شاخص سنجش فساد در دستگاه قضائی
۵۳	فصل پنجم: سطح فساد و سازماني حقوق قضائي شهروندان
۵۹	فصل ششم: دسترسی به عدالت
۶۷	فصل هفتم: حکم‌رئی و سره به حقوقی و امنیت قضائی
۸۷	فصل هشتم: رشوه و مداخله یاسی رسیدگی قضائی
۸۹	فصل نهم: استقلال و مصونیت قضائی
۹۳	فصل دهم: ارزیابی معضل فساد قضائی
۱۱۶	فصل یازدهم: محاکم، فرهنگ و فساد قضائی
۱۵۱	بخش دوم: مطالعه تطبیقی تقابل حقوق شهروندی و فساد قضائی
۱۵۳	فصل اول: موضوع فساد قضائی در سازمان‌ها و اسناد بین‌المللی
۱۶۹	فصل دوم: گزارش فساد قضائی در برخی کشورها
۲۷۷	بخش سوم: تضمین عمل حقوق شهروندی با قوانین کاربرد
۲۷۹	الف) انتصابات قضائی
۲۷۹	ب) قوانین و مقررات
۲۸۰	ج) پاسخگویی و نظم
۲۸۱	د) شفافیت
۲۸۳	هـ) توسعه حقوق شهروندی در بخش قضائی ایران
۲۹۳	و) جمع‌بندی بخش سوم
۳۹۵	نتیجه نهایی

۲۹۷.....	فهرست منابع
۲۹۸.....	الف) منابع فارسی
۳۰۱.....	ب) منابع لاتین
۳۰۳.....	ج) مجموعه قوانین و مقررات داخلی و اسناد بین‌المللی
۳۰۴.....	د) اسناد پشتیبان
۳۰۵.....	هـ) مشاوره با استادان و صاحب‌نظران
۳۰۷.....	ضمایم
۳۰۸.....	متن پیش‌نویس غیررسمی مشور حقوق شهروندی
۳۳۵.....	فرمان استعاضای حضرت امام (ره)
۳۳۹.....	قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی
۳۴۳.....	حقوق شهروندی در قانون مدنی و قانون تجارت
۳۴۵.....	ستاد صیانت از حقوق شهروندی و زیرساخت‌های امنیتی عمومی
۳۴۷.....	قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۳۴۹.....	آیین‌نامه اجرائی قانون اصلاح ماده (۱۸) اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۳۵۱.....	دستورالعمل تشکیل شورای عالی نظارت و بازرسی قضائی
۳۵۳.....	سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت قضائی (ابلاغی - مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۳)
۳۵۵.....	آیین‌نامه اجرائی نحوه نظارت دیوان عالی بر اجرای صحیح قوانین در دادگاه‌ها
۳۵۸.....	برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد
۳۶۳.....	اصول رفتار قضائی بنگلور
۳۷۲.....	اصول اساسی درباره استقلال قوه قضائیه
۳۷۶.....	راهنما درباره نقش دادستان‌ها
۳۸۳.....	اصول اساسی درباره نقش و کلا
۳۹۰.....	اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان
۳۹۰.....	جرم و سوءاستفاده از قدرت
۳۹۵.....	اصول اساسی و قوانین بین‌المللی ناظر بر حقوق بشر و نقض فاحش قوانین بشردوستانه بین‌المللی
۴۰۷.....	فهرست تفصیلی مطالب
۴۱۱.....	نمایه

مقدمه

شاید امید به تضمین حقوق شهروندان برای رسیدن به امنیت بیشتر و سعادت برتر تنها فلسفه گرایش به جمع و جامعه باشد. اینکه انسان‌ها ذاتاً و بر اساس سرشت به تأسیس حکومت و تشکیل دولت می‌پردازند یا از سر ناچاری و اضطرار یا حتی برای رفاه و سود بیشتر مادی و معنوی نمی‌تواند منکر این حقیقت باشد که در هر حال انسان در جمع به عدالت نیاز دارد. در مرحله بعد نمی‌توان منکر شد که در هر جامعه‌ای آنکه به هر بهانه یا بهایی به قدرت رسیده و بر صدر نشسته دست کم برای دوام سلطنت و حکومتش باید عدالت پیشه کند، هرچند عدالت‌ورزی در پیشینه او نباشد. اینجاست که عدالت فردی حاکم تنها نمی‌تواند برای شهروندان ثمر دارد که در عمل مدیریتی او متبلور شده باشد. از این روست که امروزه نظریه‌های حکمرانی خوب و مردم‌سالاری مطلوب کمتر به دنبال وصف فردی می‌روند و معیار سنجش و ارزیابی را عدالت معنی حاکم در مقیاس مدیریت کلان جامعه می‌دانند. به دیگر سخن، وقتی که معیار مشروعیت عدالت باشد روی کار آمدن بسیار آسان‌تر از روی کار ماندن است. هیچ نظامی بدون عدالت نه دوام می‌یابد و نه مقبول و مشروع می‌ماند. پس در مرحله سوم برای شهروندان مهم است تا مشروعیت حکومت را بتوان آن در اجرای عدالت ببینند. این مقام، یعنی نیل به عدالت، البته مسبوق به تأمین امنیت است که بدین‌ترین تعهد هر حکومت است. با در نظر گرفتن این ضرورت، توصیف نسبت حقوق شهروندی با عدالت و فساد نظام قضائی موضوع اصلی این کتاب است.

با توجه به اینکه از سویی نه حقوق شهروندی و نه نظام قضائی هیچ‌یک پدیده جدیدی نیستند و از سوی دیگر نه بی‌عدالتی به کلی از جوامع قابل حذف است و به فساد قضائی، انتظار می‌رود، به موازات توسعه جوامع، دادگری و عدالت‌گستری توسعه یابد تا به این طریق میزان فساد و ظلم از کمتر شود و هر روز شهروندان به سبب تضمین بیشتر حقوقشان بهتر از دیروزشان باشند. این بیان باعث می‌شود تا این مهم نیز معقول تلقی شود که ما در حال توسعه و تعالی اخلاق در کنار فناوری و

صنعت نیز هستیم و بالتبع انتظار می‌رود اصول اخلاقی به همراه قواعد حقوقی هر روز مستحکم‌تر شوند. امروزه وجود نظامی مبتنی بر شبکه‌ای از اعتماد متقابل شهروندان و حاکمان را ذیل مباحث توسعه قرار می‌دهند تا نشان دهند دیگر نمی‌توان به صرف درآمد و فناوری و صنعت برتر بهتر بود بلکه برای توسعه‌یافته خواندن فرد و جمع باید معیارهای انسانی در جامعه اعمال شود. توسعه، به مفهوم پیشرفت کیفی ارزش‌های زیست جمعی و تعالی سبک زندگی مدنی، خود یکی از معیارهای توسعه نظام قضائی نیز تلقی می‌شود. از این رو، فساد در جامعه، اعم از اینکه قضائی باشد یا اداری، به معنای اختلال و اخلال در اولیات حقوق شهروندان است. ادامه این فرایند طبعاً به سقوط نظم مدنی و دستگاه قضائی منجر می‌شود.

مفروض سوم آن است که به هر میزان مراجعه به محاکم قضائی در جامعه کمتر باشد بعضاً نشان اقتدار و شاه نشانی اینست که دستگاه قضائی آن جامعه است. به این سبب که یا شهروندان به علت عدالت‌گستری نهاد قضائی محاکم، سامانی یافته‌اند و نظامی چابک دادخواست‌های آنان را به خوبی پاسخ می‌گویند و یا اینکه بر اثر تحریک، تبلی، پوشیدگی، بی‌سوادی و در نتیجه فساد قضائی، شهروندان، ناامید از تحقق رسالت حاکم قضائی به گوشه‌ای خزیده‌اند که آثار آن در آینده، رجوع به اقدام شخصی و هرج و مرج در جامعه خواهد بود از طرف دیگر، می‌توان اطمینان داشت که میزان مراجعه مکرر به دستگاه قضائی و انباشت پرونده‌های گوناگون هم خود نشان از نوعی بیماری مضاعف است. شهروندانی معطل رسیدگی‌اند و شهروندانی دیگر مدعی نقض حقوق روزانه خویش‌اند. میزان مراجعه زیاد هم نشان از ضعف دستگاه قضائی را هم نشان می‌دهد. از بیماری کل نظام اداری و حتی سیاسی حاکم است. شاید متعادل‌ترین وضعیت شکل سوم است، یعنی انعکاس سلامت اداری، اجتماعی و سیاسی جامعه در دستگاه قضائی. در این برداشت، میزان اعتبار، نسبت جمعیت در حد متعادل و معقول استاندارد جهانی است و تقلیل بیشتر از این میزان، نشان از بی‌ثبات و عدالت و نیز امنیت همزمان در نظام سیاسی و قضائی کشور است. شهروندان این جامعه از شهروندان جوامع دیگر خوشبخت‌ترند زیرا سطحی بالاتر از حقوق شهروندی خود را تضمین شده می‌بینند.

نظام قضائی در هر جامعه‌ای مرکز ثقل دادگری و تنظیم‌خواهی است. اقتدار دستگاه قضائی خود به نوعی حکایت از اقتدار حکومت در قدرت دارد، و ضعف نظام قضائی در دادگری و دادگستری یعنی مرگ تدریجی حاکمیت هر کشوری. با توجه به این موضوع، حال باید دید چگونه نظام قضائی با اقتدار خود می‌تواند به توسعه و تعالی حقوق شهروندی و با اهمال و آفت‌زدگی و در نتیجه فساد، به

سلب و سد حقوق شهروندی افراد جامعه منجر شود، مسیری که عملاً به نقض رسالت دستگاه قضائی جامعه ختم می‌شود. به این اعتبار، قوه قضائیه «پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی» و مسئول تحقق عدالت و موظف به «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع» است. فصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم در اصولی به تدوین «حقوق ملت»، که «حقوق اساسی مردم» و «حقوق بشر» نیز نامیده می‌شود، پرداخته است. همچنین، در قانون اساسی مقرر شده، با تشکیل نظام قضائی «بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی»، از «حقوق مردم در خط حرکت اسلامی» پاسداری شود.^۱ قوه قضائیه در ادای وظایف نظارتی خود متعهد شده تا سازوکارهای لازم و متناسب را پیش‌بینی و به موقع اجرا کند. در این زمینه، شهروندان نقش بسزایی در نظارت بر عملکرد محاکم قضائی و ترویج سلامت قضائی و حتی اداری در نظام قضائی کشور دارند.

بخشی از کتاب حاضر، به منظور تعالی حقوق بشر و حقوق شهروندی در ایران، به معرفی آن دسته از قوانین موجود اخیر می‌پردازد که برای حفظ حقوق شهروندان در نظر گرفته شده‌اند. هرچند در عمل با تساهل معرفی شده از ضمانت‌های لازم برخوردار نبوده‌اند. برجسته کردن این قوانین ناظر بر حقوق شهروندان و تعهد دولت آن‌ها زبانی ساده و گویا بخش مهمی از رسالت این کتاب است. در این زمینه، منشور حقوق شهروندان ناظر بر قوانینی است که در حقوق موضوعه ایران موجود بوده اما به دلایلی مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند و در نتیجه نبود ضمانت اجرای مؤثر و نیز بی‌خبری شهروندان، اعم از تابعان و ضامنان، عملاً مغفول مانده است. برای تکمیل این مسیر، در بخشی از این کتاب پیش‌نویس منشور حقوق شهروندی دولت یازدهم ارزیابی شده است. در ادامه همین مسیر، بخش سوم به صورت خاص وضع حقوق شهروندی ایران معاصر و نسبت آن با دستگاه قضائی را بررسی کرده است. مجموعه قوانین، آیین‌نامه‌ها و سایر منابع موجود در این زمینه به پیوست همین مجموعه آمده است.

از آنجا که حفظ کرامت انسانی و احترام به آزادی‌های مشروع و حقوق شهروندی و رعایت اصول و ارزش‌های اسلامی نیازمند اقدامات صحیح و عادلانه مسئولان قضائی، انتظامی، اطلاعاتی یک کشور است، این کتاب برای اطلاع‌رسانی شفاف به شهروندان به منظور آگاهی از حقوق خود در محاکم و مراجع دادگستری و با هدف تسهیل ارتباط سازمان‌های نظارتی با مردم و اطلاع‌رسانی

دربارهٔ تخلفات و نقض قوانین و نحوه و مراجع رسیدگی بدان‌ها تدوین شده است. در نگارش این کتاب، از منابع معتبر حقوقی از جمله قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون آیین دادرسی مدنی، قانون نظارت بر رفتار قضات (مصوب ۱۳۹۰)، قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، قانون برنامهٔ پنجم توسعهٔ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و نیز بررسی اصول اخلاق حرفه‌ای از دیدگاه اسلام، موازین جهان‌شمول، استانداردهای بین‌المللی و رویکرد سازمان‌های بین‌المللی استفاده شده است. بخش دیگر کتاب به مطالعهٔ موردی و تطبیقی برخی کشورها پرداخته است. فرض آن بوده است که بیان مصادیقی عینی از نظام‌های حقوقی و قضائی طاهر و فاسد می‌تواند خواننده را در تعمیمی مستقل بیشتر یاری کند. مطالعهٔ تطبیقی سازوکارهای مقابله با فساد به مثابهٔ معیاری برای ترسیم جایگاه حقوق بشر و شهروندی در دستگاه قضائی نیز از جمله مباحث این بخش است.

در کتاب حاضر فساد قضائی در نقش متغیر وابسته معلول حالتی است که در آن حقوق شهروندی ضایع شده است و این آسیب به لطمهٔ بزرگ به حقوق بشر شهروندان نیز منجر می‌شود. متغیرهای مستقل دیگری هم، به مثابهٔ سبب، در درجهٔ بعدی تأثیر قرار دارند یا می‌توان از آن‌ها به علل بعدی یاد کرد. برای مثال، به علت ناکارآمدی و عدم سلامت قوهٔ قضائیه، امنیت قضائی در محاکم برقرار نیست. در نتیجه، «صدای مظلومان شنیده نمی‌شود»^۱ و ظالمان همچنان با مصونیت و برخلاف قانون، حق و عدالت رفتار می‌کنند. نتیجهٔ نهایی فساد در دستگاه قضائی بی‌عدالتی در فرایند تعقیب و رسیدگی برای دستیابی به عدالت فراگیر است و همهٔ این فقدان‌ها یعنی فقدان حقوق بنیادین. برای مثال، حق ازدواج و طلاق یا تشکیل خانواده حق طبیعی بشری هر شهروند است و دولت هم حق دارد به تناسب قوانین عادی خود از شروط و محدودیت‌هایی در نیل بدان سخن گوید یا بر اساس توان خود فرایندی معقول و انسانی را تنظیم کند؛ اما اگر هر یک از این محدودیت‌های احقاق حق یا فرایند ملحق بدان منجر به سلب حقوق بنیادین شود، دولت و حکومت مرتکب جرم حقوق بشری شده‌اند نه جرم شهروندی. بنابراین، در زمینهٔ طلاق، اگر محاکم روند دادرسی فرضاً عادلانه را در فرایندی طولانی تعریف کنند، به طوری که طالب حق عملاً کاسهٔ صبرش لبریز شده و

۱. طبق تعریفی که اوگت لابل، رئیس سازمان شفافیت بین‌الملل، از فساد قضائی ارائه می‌دهد، «فساد قضائی تعریف حالتی است که در آن صدای مظلومان شنیده نمی‌شود و ظالمان همچنان با مصونیت رفتار می‌کنند».

دست به خودکشی یا همسرکشی بزند و عملاً از دادرسی مؤثر و به‌موقع ناامید شود، دستگاه قضا معیوب بوده و عملاً حقوق بشر و نه صرفاً حقوق شهروندی نقض شده است.

در آثار و نوشته‌های حقوقی ایران، منابعی چند به تدوین حقوق شهروندی (نه مشخصاً در حوزه دستگاه قضائی و در روابط بین مردم و مسئولان و کارکنان قضائی) پرداخته‌اند. برخی از این منابع مهم در ضمایم کتاب آمده و در فصلی جداگانه بررسی و نقد شده است. از طرف دیگر، به علت ماهیت پنهان فساد، منابع معدودی به موضوع فساد پرداخته‌اند. در پایان‌نامه‌های دانشگاهی معمولاً به فساد اداری و بررسی کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد توجه بیشتری شده است. با این حال، فساد قضائی و نسبت آن با حقوق شهروندی، که نوع خاصی از فساد پنهان و ضد حقوق است و ویژگی‌های منحصربه‌فردی به خود را دارد، با وجود توجه بین‌المللی، در ایران به صورت جدی تحلیل نشده است. در سطح جهانی «گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل»^۱ در سال ۲۰۰۷ به طور خاص مربوط به فساد در نظام‌ها، قضائی است که در این کتاب استفاده خواهد شد. نمونه‌هایی از اقدامات موفق در مبارزه با فساد قضائی نیز بررسی خواهد شد. برخی از کنوانسیون‌ها و اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مرتبط با فساد قضائی که در گزارش این کتاب استفاده شده‌اند عبارتند از:

• اصول رفتار قضائی بن‌گاور (۲۰۰۳)

• اصول اساسی سازمان ملل متحد با استقلال قوه قضائیه (۱۹۸۵)

• اصول اساسی سازمان ملل متحد دربارهٔ نقش و کلا (۱۹۹۰)

• اصول راهنمای سازمان ملل متحد ناظر بر رفتار و وظایف مقامات قضائی دادسراها

(۱۹۹۰)

• کنوانسیون مقابله با فساد سازمان ملل متحد (۲۰۰۳)

• اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

• میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶).

اطلاعات ضروری برای تدوین این کتاب به روش کتابخانه‌ای و با بهره‌گیری از ابزارهای تحلیل محتوا، مشاهده، مصاحبه گردآوری شد.^۲ برای مقایسه و تطبیق دو نظام، که یکی در سطح

1. Transparency International

۲. شالوده نگارش این کتاب مطالعه داده‌های حاصل از دو منبع است: الف- داده‌های پایگاه‌های اطلاعاتی و گزاره‌های آماری که از طریق سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان شفافیت بین‌الملل، منتشر شده است. ب- داده‌های برگرفته از مشاوره با استادان رشته حقوق و کارمندان دستگاه قضائی.

بین‌المللی و دیگری در سطح ملی مطرح می‌شود، باید یکی را مبنا قرار داد و دیگری را با توجه به آن تجزیه و تحلیل کرد. بدین منظور، ابتدا در بخش دوم راهکارهای ارائه‌شده در اسناد و سازمان‌های بین‌المللی بررسی می‌شود. سپس در مرحله تطبیق، با تجزیه و تحلیل عوامل و زمینه‌های فساد در محاکم داخلی برخی کشورها، نحوه سنجش و ارزیابی میزان انطباق بخش قضائی با این استانداردها و راهکارهای مورد استفاده سنجیده می‌شود.

به طور خلاصه، این کتاب مجموعه‌ای از ارزش‌ها را تدوین می‌کند تا سرلوحه مسئولان و مجریان در دستگاه قضائی قرار گیرد. چنین مجموعه‌ای می‌تواند مرجعی باشد تا، با استناد به آن، استانداردها، حقوق قضائی شهروندان تنظیم و شاید با عنوان «منشور حقوق شهروندان در دستگاه قضائی جمهوری اسلامی ایران» استفاده شود. کتاب حاضر، با هدف ارائه استانداردهای جهانی برای دستیابی به بهترین رویه‌ها در محاکم داخلی و بخش قضائی کشورها به منظور تضمین حقوق شهروندان، عوامل و زمینه‌های فساد قضائی را بررسی و ابزارهای در اختیار را برای افزایش کیفی نظارت و برقراری امنیت قضائی معرفی می‌کند. ضروری است مسئولان به ساختارسازی یا استفاده بهینه از ساختارهای موجود در دستگاه قضائی با توجه به معیارهای پذیرفته‌شده بین‌المللی توجه کنند تا، علاوه بر برقراری حکمرانی مطلوب، اعتماد عمومی به دولت اسلامی افزایش یابد.

در جمع‌بندی، با توجه به نکات پیش‌گفته این کتاب به سه بخش کلی تقسیم می‌شود. بخش اول به بررسی مفاهیم و مسائل نظری مربوط به حقوق شهروندی و نظام قضائی اختصاص یافته است. مباحث بخش اول عبارتند از: از حقوق بشر تا حقوق شهروندی، امنیت و عدالت در حقوق شهروندی، از دستگاه قضائی تا فساد قضائی، شاخص سنجش فساد، دستگاه قضائی، حقوق قضائی شهروندان، دسترسی به عدالت، حکمرانی خوب، سرمایه حقوقی و امنیت قضائی، رشوه و مداخله سیاسی در رسیدگی قضائی، استقلال و مصونیت قضائی، ارزیابی میزان فساد قضائی، و نهایتاً فرهنگ و فساد قضائی که به نقش رسانه در مقابله با فساد قضائی، نقش جامعه مدنی در مقابله با فساد قضائی، نقش و کارکرد نظارتی آموذمان قضائی و جنسیت و فساد در اجرای عدالت می‌پردازد. بخش دوم کتاب به مطالعه تطبیقی تقابل حقوق شهروندی و فساد قضائی می‌پردازد و شامل دو فصل کلی است: فصل نخست به مطالعه راهکارهای مقابله با فساد قضائی در سازمان‌ها و اسناد بین‌المللی اختصاص یافته و علاوه بر اشاره به اسناد منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط، در چهار گفتار

مستقل، به معرفی سازمان شفافیت بین‌الملل، گروه کشورهای مقابله‌کننده با فساد¹، کنوانسیون مقابله با فساد و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد می‌پردازد. فصل دوم از این بخش گزارش فساد قضائی در برخی کشورهاست. در این فصل، فساد در دستگاه قضائی آمریکا و افغانستان و دولت مستقل پاپوا گینه نو بررسی و سرانجام وضعیت ایران تحلیل می‌شود. در بررسی وضعیت ایران، حقوق شهروندی در قوانین موجود بررسی و یک نمونه از منشور اخلاقی دستگاه قضائی ارائه می‌شود.

بخش سوم شامل ارزیابی و تفسیر داده‌ها و همچنین ارائه یافته‌ها و توصیه‌هاست که در آن راهکارها، برای صیانت از حقوق شهروندان و تضمین عملی حقوقشان از طریق قوانین کاربردی در دستگاه قضائی ارائه می‌شود.

ضمیمه انتهایی، کتاب حاوی متن برخی کنوانسیون‌ها، آیین‌نامه‌ها و بخش‌نامه‌های مربوط است.